



## در دنیا چیزی به نام خانه سینما نداریم

ما در دنیا چیزی  
به عنوان خانه  
سینما نداریم.  
در هالیوود،  
نهادهای  
حمایتی، تحت  
عنوان سندیکا،  
مستقل از دولت  
فعالیت می کنند؛  
چیزی که در  
ایران ممنوع  
است و ترجیح  
می دهند حمایت  
از هنرمندان  
در ایران در  
قالب وابستگی  
مالی به دولت،  
به صورت کوپنی  
و با مسکن های  
موقت انجام شود

بدخشانی با اشاره به ماهیت سندیکاها در خارج از کشور گفت: ما در دنیا چیزی به عنوان خانه سینما نداریم. در هالیوود، نهادهای حمایتی، تحت عنوان سندیکا، مستقل از دولت فعالیت می کنند؛ چیزی که در ایران ممنوع است و ترجیح می دهند حمایت از هنرمندان در ایران در قالب حمایت از هنرمندان مالی به دولت، به صورت کوپنی و با مسکن های موقت انجام شود. رئیس صنف تهیه کنندگان با اشاره به شرایط بد مالی هنرمندان گفت: رسیدن به استقلال مالی نیز در شرایط کنونی امکان پذیر نیست. بخصوص نسل قدیم و هنرمندان پیشکسوتی که به بهانه بازنشستگی، خانه نشین شده اند، نیاز به حمایت مالی دارند. بنابراین، در شرایط بیکاری هنرمندان و فشار مالی، امکان مستقل شدن خانه سینما وجود ندارد؛ بلکه همین فراهم نبودن شرایط کاری برای هنرمندان، خودش به این معنا است که گروهی نمی خواهند خانه سینما به لحاظ مالی مستقل شود و قطعاً سنگ اندازان سینما، از دل دولت نیستند، چراکه با رفتن دولت ها، این گروه همچنان اثرگذاری منفی خود را بر سینما اعمال می کنند؛ اینها کسانی هستند که نمی خواهند ایران، سینما داشته باشد. با فرمانی که سینمای امروز ما در حال حرکت است به سینمای ماقبل فیلمفاری رسیده ایم. ژکان با تأکید بر اهمیت خودکفایی خانه سینما در ارتباط با دولت گفت: از جمله راه هایی که خانه سینما به واسطه آن می تواند برای خود کسب درآمد کند، حق عضویت اعضا یا فروش فیلم ها است و حتی بهره گیری از پشتیبان ها و نهادهای دیگری که خارج از خانه سینما، می تواند منبع درآمدی برای خانه سینما باشد. با تمام این ها، باز خانه سینما، به عنوان یک نهاد مهم، نیازمند قانون مجزایی است که براساس آن، بودجه خاص خودش را داشته باشد. وی در ادامه درباره تبعات وابستگی خانه سینما به دولت گفت: با تغییر دولت، مدیران ارشاد هم دچار تغییر و تحول می شوند و این سبب شده تا سیاست واحدی در قبال خانه سینما وجود نداشته باشد و هر دولتی، مطابق با سلیقه خود، وارد تعامل با خانه سینما شود و همین خانه سینما را در موضع تزلزل قرار می دهد. این در حالی است که یک نهاد، نیاز به یک ساختار منسجم دارد و نمی شود مدام تغییر کند و این تزلزل، اعتماد اعضا را به خانه سینما ضعیف می کند. سرمایه هر نهاد صنفی، از اعتماد اعضا به آن نهاد، شکل می گیرد و اگر اعتماد اعضا ضعیف شود، خود نهاد نیز ضعیف می شود.

این کارگردان تصریح کرد: وقتی تشکل مادر، دچار نابسامانی باشد، سایر تشکل ها را هم تحت تأثیر قرار می دهد و این کشمکش ها به ضرر سینمای ایران است و امروز تشکل های مادر با تناقض روبه رو هستند.

## روابط محفلی بلای جان تشکل های سینمایی

وی در خصوص مشکلات موجود در اساسنامه خانه سینما گفت: به دلیل قوانینی که در اساسنامه وجود دارد، نمی توان تشکل ها را به صورت واحد پذیرفت که همین سبب شده تا رابطه سالمی میان تشکل ها و خانه سینما وجود نداشته باشد و خود تشکل ها هم متکی به سیاست خاصی نیستند. هر کس به شکل محفلی، یارگیری می کند و تشکل را به وجود می آورد. ژکان در ادامه گفت: سال ها پیش، فراکسیونی به نام اتحادیه تهیه کنندگان تشکیل شد که نتوانستند به یک منافع مشترک برسند و نتیجه آن شد که مدتی پیش، جامعه صنفی، از اتحادیه تهیه کنندگان جدا شد که همین تنش های درونی در خانه سینما به ضرر خود سینما نیز خواهد بود. بدخشانی در ارتباط با ظرفیت خانه سینما، به عنوان ابزاری برای سوءاستفاده برخی از افراد گفت: خانه سینما، به دلیل ظرفیت تبلیغاتی و محبوبیتی که در میان مردم دارد، می تواند انتظارات زیادی را، چه به لحاظ انتخاباتی و سیاسی تأمین کند و به دلیل همین ظرفیت هایی که پیرامون خانه سینما شکل گرفته است، گروه های مختلف تلاش می کنند تا این نهاد را به نفع خودشان مصادره کنند و متولی آن باشند.

## سینما در محاصره بازی ها و ملاحظات سیاسی

وی راه برون رفت از این چالش را، استقلال مالی خانه سینما بیان کرد و گفت: تا زمانی که هر تشکلی مشابه خانه سینما، در کشور به لحاظ مالی مستقل نشود، تحت تأثیر بازی های سیاسی و غیره، مدام به چالش کشیده می شود. ژکان به ملاحظات سیاسی موجود در رابطه دولت و خانه سینما اشاره کرد و افزود: وابستگی اقتصادی میان دولت و خانه سینما، سبب شده تا رابطه سالمی میان دولت و سینما شکل نگیرد و متأسفانه ملاحظات سیاسی و شکل گیری انتظارات خاص در دولت های مختلف، این رابطه را دچار تغییر و تحول کرده است و ثباتی وجود ندارد. همین ملاحظات سیاسی، اغلب سبب شده تا همکاری میان دولت و خانه سینما، به صورت تقابلی باشد تا تعاملی که این امر سبب می شود تا رابطه سازنده میان آنها شکل نگیرد و این به ضرر هر دو طرف است و خانه سینما را می کشاند.



وی با اشاره به چالش اصلی امروز خانه سینما گفت: گروهی در خارج از بدنه خانه سینما، تلاش می کنند تا متولی اصلی این نهاد باشند، از طرف دیگر، گروهی هستند که در مقابل این دسته ایستاده اند و آنها را برنمی تابند.

## خانه سینما عملاً دیگر کارایی ندارد

سماک باشی با نگاهی دیگر به چالش های امروز خانه سینما گفت: صحبت درباره خانه سینما، بی هزینه نیست؛ اما باید پذیرفت که در عمل، خانه سینما، دیگر کارایی خاصی نمی تواند داشته باشد، مگر اینکه به خودکفایی برسد. این خودکفایی، زمانی حاصل می شود که از مسیر درست قانونگذاران ایجاد شود؛ در این صورت می توان اختلافات درون نهادی و اعمال سلیقه های شخصی را در خانه سینما، به کمترین حد خود رساند.

بدخشانی در پاسخ به این سؤال که منفعت طلبی های فردی، چقدر در چالش های امروز خانه سینما، مؤثر است گفت: من از پیشینه این نهاد، اطلاع دقیقی ندارم و نمی توانم اظهار نظری در این ارتباط داشته باشم اما به صورت طبیعی، حضور چند صنف در کنار هم، اختلاف سلیقه و اختلاف نظرها را به دنبال دارد و نمی توان منکر آن بود. هر چند که این اختلافات عمیق نیست اما در عین حال گروهی از اعضا، تشکل های قدیمی وابسته به خانه سینما هستند که به دنبال سنگ اندازی بر سر راه این نهاد قرار گرفته اند.

## اختلافات و تعارضات درونی خانه سینما از کجاست؟

سماک باشی در این خصوص اضافه کرد: تا امروز کسی تلاش نکرده است تا چالش های خانه سینما را مرتفع کند و این نهاد غیردولتی را به خودکفایی برساند بلکه خیلی وقت است خانه سینما، برای عده ای به مکانی برای گرفتن رانت تبدیل شده است و کمک های مالی دولت هم در شرایط گرانی کنونی بسیار جزئی و کم اثر است؛ اما حتی در این شرایط، وجود خانه سینما، به عنوان مکان یا سندیکایی که هنرمندان را تحت پوشش قرار می دهد و حمایت می کند، می تواند همچنان اثرگذاری داشته باشد و وجودش ضروری است. علی ژکان در ارتباط با اختلافات و تعارضات درونی خانه سینما گفت: خانه سینما علاوه بر اینکه به لحاظ فرهنگی و سیاسی یک اتحادیه رسمی و قانونی نیست، بلکه حتی به عنوان یک سازمان و تشکل هم مشکل صنفی دارد و هنوز نتوانسته تشکل های خود را به اتحاد برساند و میان صنوف اختلافات و کشمکش وجود دارد. وی در ادامه افزود: اتحادیه تهیه کنندگان، به عنوان تشکل مادر، نتوانسته اختلافات درونی خود را حل کند. این قدرت طلبی حاکم میان تهیه کنندگان سبب شده تا هر کس به دنبال منافع فردی خود باشد و هنوز گفت و گویی که منجر به وحدت میان آنها شکل بگیرد به وجود نیامده و همین اختلافات سبب می شود مسیر اداره سینما به سمت اختلاف بینداز و حکومت کن پیش برود.

## وابستگی های مالی خانه سینما، مانع اصلي انسجام ساختاری

بهرام بدخشانی، رئیس صنف تهیه کنندگان، در توصیف چالش های حاکم بر عملکرد خانه سینما گفت: خانه سینما از بدو تولدش تا امروز، همواره تحت تأثیر دولت های مختلف، بر خورد های متفاوتی را شاهد بوده است. از بسته شدن در خانه سینما در دولت های قبیل، تا شرایطی که امروز بر خانه سینما حاکم شده است؛ بنابراین هر زمان که دولت در اداره خانه سینما ورود پیدا کرده، نتیجه معکوس حاصل شده و امروز، خانه سینما در حال ریزش است تا از فشارهای بیرونی و بی ارتباط با اساسنامه این نهاد غیردولتی خارج شود. وی در ادامه افزود: سازمان سینمایی تلاش دارد تا صنوف را تحت عنوان مؤسسه فرهنگی به وزارت ارشاد بازگرداند و از پوشش وزارت کار خارج کند. وی در پاسخ به این سؤال که این تصمیم چقدر می تواند درست باشد، گفت: به هیچ وجه با این امر موافق نیستم؛ تا زمانی که نظارت دولتی بر خانه سینما حاکم باشد، این نهاد غیردولتی نمی تواند کارایی درستی داشته باشد. احمد سماک باشی، رئیس هیأت مدیره انجمن صدای سینما، برخلاف بدخشانی معتقد است که می توان با تمهیداتی خانه سینما را به خودکفایی رساند. سماک باشی در این خصوص گفت: خانه سینما باید برای خود ساختاری همانند نظام مهندسی یا سایر صنوف تعریف کند و در مجلس برای خود ردیف بودجه مستقلی داشته باشد نه اینکه زیر پوشش وزارت ارشاد باشد. وی در ادامه افزود: وابستگی خانه سینما به دولت سبب می شود گروهی خود را متولی خانه سینما بدانند و در این نهاد غیردولتی، سلیقه شخصی را اعمال کنند. بنابراین لازم است تا نظام سینمایی یا نظام هنری، تقدیم قانونگذار نشود تا علاوه بر رفع ایرادات اساسنامه، برایش ردیف بودجه ای مستقل تدوین شود.

## شخصیت دوگانه خانه سینما آن را متزلزل کرده است!

علی ژکان، عضو صنوف تهیه کنندگان در ارتباط با مشکلات ساختاری خانه سینما گفت: خانه سینما به دلیل وابستگی به دولت، مدام برای تأمین منابع مالی خود به دولت نیازمند است و رابطه میان دولت و خانه سینما، یک رابطه رئیس و مرئوس است. در این نظام، تصمیم گیری اصناف وابسته به خانه سینما را برای حل مشکلات بیمه به وزارت کار ارجاع داده اند. در نتیجه، اصناف کارگری و کارفرمایی شکل گرفته است که در این چرخه، برای اهالی سینما عایدی ندارد؛ چراکه هنرمندان به لحاظ شغلی، ربطی به وزارت کار ندارند و این ارجاع، سبب شد تا اعضای خانه سینما، شرایط یک بام و دو هوا پیدا کنند؛ یعنی از نظر حرفه ای، کارشان وابسته به وزارت ارشاد باشد و از طرف دیگر، برخی دیگر از مسائل شان در وزارت کار تعریف شود. وی در ارتباط با تبعات ناشی از دوگانگی شخصیت برای خانه سینما گفت: این حالت دوپارگی، یک شخصیت دوگانه ای را برای خانه سینما ایجاد کرده است. همین شخصیت دوگانه، خانه سینما را تضعیف کرده و زمینه ساز تناقضات درونی در خانه سینما شده است. این سرگردانی خانه سینما سبب می شود این نهاد، هرگز به ساختار منسجم، دست پیدا نکند. بدخشانی در ارتباط با ضرورت اصلاحات در خانه سینما گفت: اساسنامه خانه سینما، در طول عمر خود، اصلاحاتی را شامل شده و امروز، خانه سینما، به دنبال نگارش یک اساسنامه جدید است که مقدمات نگارش آن فراهم شده است.

